



Research article

Research of Literary Texts in Iraqi Career
Vol. 3, Issue 4, Winter 2022, pp. 41-54

Analytical reading of the chapters "The King and Brahmins" and "The Prince and His Companions" by Kalila and Demna based on symbols and meaning generation

Fatemeh Haghparast Haftkhani *

PhD student in Persian language and literature University Allameh Tabataba'i, Tehran, Iran

Received: 29/09/2022

Accepted: 12/11/2022

Abstract

Semiotics first started with Saussure, later Roland Barthes considered its knowledge only through linguistics. In the semiotic analysis of the story "Sarazin" by Balzac, Barthes introduced five codes: functional, enigmatic (hermeneutic), semantic, symbolic and referential codes. In his opinion, these codes lead to the production of meaning. One of the ancient texts that has received less attention from the point of view of Barthes' cryptographers and semiotics is Kalila and Demna Nasrollah Monshi. In this research, we tried to select the last two chapters of Kalila and Demeneh, "The King and Brahmins" and "The Prince and His Companions" in order to find out how Barthes' five ciphers were manifested in them. Let's examine the hermeneutic code and its relationship with the identity of the questioners and the content of the two chapters. Let's explore the relationship between cultural codes and the author's knowledge of his era, and also pay attention to the influence of rhetorical techniques and crafts in the production of meaning. We conclude with the investigations carried out in this research: Both chapters begin with enigmatic ciphers. With action codes, it is possible to fully understand the characters of the two stories. By specifying the identity of the questioner and the type of his question, the enigmatic cipher shows that the content of both chapters is about the king and the elements affecting the kingship. Due to the lateness of writing, two or multiple cultural codes are defined in two chapters. Also, rhetorical techniques and industries have greatly contributed to the construction of codes and then the production of meaning.

Keyword: semiotics, ciphers, production of meaning, Kalila and Demna, chapter of the king and Brahmins, chapter of the prince and his companions.

پژوهشنامه متون ادبی دوره عراقی
سال سوم، شماره ۴، زمستان ۱۴۰۱ هـ ش، صص. ۵۴-۴۱

بازخوانی تحلیلی باب‌های «پادشاه و برهمنان» و «شاهزاده و یاران او» کلیله و دمنه بر مبنای رمزگان و تولید معنا

فاطمه حق پرست هفتخوانی*

دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۸/۲۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۷/۷

چکیده

نشانه‌شناسی ابتدا با سوسور معرفی شد و بعدها رولان بارت شناخت آن را تنها از راه زبان‌شناسی ممکن دانست. بارت در تحلیل نشانه‌شناسی و داستان «سارازین» اثر بالزاک، رمزگان پنج‌گانه را معرفی کرد: رمزگان کنشی، معمایی (هرمنوتیکی)، معنایی، نمادین و ارجاعی. از نظر او این کدها به تولید معنا می‌انجامد. یکی از متون کهن که از دیدگاه رمزگان بارت و نشانه‌شناسی کمتر به آن توجه شده، کلیله و دمنه نصرالله منشی است. در این پژوهش سعی شده به روش تحلیل کیفی و کمی دو باب متأخر از کلیله و دمنه، یعنی «پادشاه و برهمنان» و «شاهزاده و یاران او» انتخاب شود تا دریابیم رمزگان پنجگانه بارت در آن دو چگونه بروز و نمود یافته‌اند، رمزگان هرمنوتیکی و ارتباط آن را با هویت پرسشگران و درونمایه دو باب بررسی کنیم، ارتباط رمزگان فرهنگی و شناخت نویسنده از عصر او را مورد کاوش قرار دهیم و نیز به تأثیر فنون و صنایع بلاغی در تولید معنا توجه کنیم. با بررسی‌های صورت گرفته در این پژوهش نتیجه می‌گیریم هر دو باب با رمزگان معمایی آغاز می‌شود. با رمزگان کنشی می‌توان به شناخت کامل شخصیت‌های دو داستان رسید. رمزگان معمایی با مشخص کردن هویت پرسش‌گر و نیز نوع پرسش او نشان می‌دهد درونمایه هر دو باب درباره پادشاه و عناصر مؤثر بر پادشاهی است. به دلیل تأخر نگارش، رمزگان فرهنگی دو یا چندگانه‌ای در دو باب تعریف می‌شود. همچنین صنایع بلاغی‌ای چون اطناب، ایهام، اضافات، تشبیه و... به ساخت رمزگان و سپس تولید معنا کمک شایانی کرده‌اند.

واژه‌های کلیدی: نشانه‌شناسی، رمزگان، تولید معنا، کلیله و دمنه، باب پادشاه و برهمنان، باب شاهزاده و یاران او.

۱. مقدمه

سوسور از اولین نظریه پردازانی بود که در آثار خود بر نشانه‌شناسی تأکید کرد و زبان‌شناسی را با تکیه بر نشانه‌شناسی راهگشا دانست؛ اما پس از او رولان بارت عقیده داشت، نشانه‌شناسی تنها از راه زبان‌شناسی قابل شناخت خواهد بود. بارت مجموعه‌ای از کدها را برای لایه‌های مختلفی از زندگی انسان جامعه امروزی در نظر گرفت که شامل جنبه‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و حتی طرز پوشش و تغذیه نیز می‌شود. بارت نخستین بار به صورت جدی و گسترده، کد یا رمزگان را در کتاب S/Z به کار برد که بررسی نشانه‌شناسیک داستان سی صفحه‌ای «سارازین» اثر بالزاک است. او پنج رمزگان برای این اثر در نظر گرفت: رمزگان پروآیروتیک یا کنشی، رمزگان هرمنوتیکی یا معمایی، رمزگان معنایی یا مربوط به دلالت‌های ضمنی، رمزگان نمادین و رمزگان ارجاعی. از نظر بارت این نظام نشانه‌گذاری به تولید معنی میانجامد. متون با کمک رمزگان می‌توانند به درستی تحلیل شوند و واقعیتهای نهادینه‌شان آشکار شود.

یکی از متون کلاسیک که لازم است از دیدگاه نشانه‌شناسی بررسی شود، کلیله و دمنه است که یکی از برجسته‌ترین آثار ترجمه شده فارسی به‌شمار می‌رود؛ کتابی در اصل هندی به نام پنجه تتره در پنج باب که در دوران انوشیروان، برزویه طیب آن را به پارسی درآورد و چند باب دیگر به آن افزود، در آغاز دوران فرهنگ اسلامی به عربی و سپس در قرن ششم هجری به وسیله نصرالله منشی به فارسی ترجمه شد. کتاب نصرالله منشی در بیان مقاصد و ادای معانی زبانزد است. استفاده از صنایع لفظی و معنوی و آیات و احادیث و امثال و اشعار فارسی و عربی این اثر را از نظر روایی در جایگاه ویژه‌ای قرار داده است. در این پژوهش به بررسی دو باب «پادشاه و برهمنان» و «شاهزاده و یاران او» می‌پردازیم. این دو باب حاوی نشانه‌هایی است که فرهنگ و جامعه روایت را به خوبی انعکاس می‌دهد، با به کارگیری دانش نشانه‌شناسی می‌توان به تحلیل و ارزیابی موقعیت‌های این داستان‌ها پرداخت و نتایج به‌دست آمده را با موقعیت‌های جامعه کنونی تطبیق داد و از کارکرد تعلیمی آن بهره گرفت. با توجه به اینکه هر دو باب مورد بررسی در این مقاله بر مبنای رفتار پادشاه شکل گرفته است (به‌ویژه باب پادشاه و برهمنان)، عملکرد پادشاه، خطاهایی که مرتکب می‌شود، تأمل بیشتر در تصمیم‌گیری و... را می‌توان به‌عنوان یک فرایند تعلیمی در نظر گرفت؛ بنابراین فقدان چنین مطالعه‌ای احساس می‌شود. رویکرد رمزگان پنجگانه بارت در ادبیات معاصر فارسی، مورد استقبال پژوهشگران واقع شده است؛ اما با محوریت کلیله و دمنه بسیار کم مورد توجه قرار گرفته است؛ در حالی که در کنار چنین پژوهش‌هایی، به نشانه‌شناسی آثار ادبی‌ای چون کلیله و دمنه با رویکرد تعلیمی در جامعه نیازمند هستیم.

۱-۱. پرسش‌های تحقیق

- رمزگان پنجگانه بارت در دو باب کلیله و دمنه چگونه بروز یافته‌اند؟
- هویت پرسشگر و معما در دو باب مورد پژوهش تا چه میزان با درونمایه داستان ارتباط دارد؟
- رمزگان به کاررفته در دو باب مورد پژوهش تا چه میزان در شناخت نویسنده و عصر او تأثیرگذار بوده است؟
- به کارگیری فنون بلاغی در تولید معنا چه تأثیری داشته است؟

۱-۲. فرضیه‌های تحقیق

- رمزگان بارت در دو باب مورد پژوهش از نظر نقش آفرینی در تولید معنا قابل بررسی است.

- هویت پرسش گر و معمای مطرح شده در هر دو باب، بیانگر درونمایه داستان است.

- رمزگان موجود در دو باب شناخت دو گانه‌های از عصر نویسنده به دست می‌دهد.

- استفاده از صنایع بلاغی در هر دو باب به تولید معنا منجر شده است.

۱-۳. پیشینه پژوهش

«بررسی نقش کنش و نشانه در پیوند موضوعی پنج باب هندی کلیله و دمنه نصرالله منشی» (حبیبیان و حسامپور: ۱۳۹۵)، در این پژوهش باب شیر و گاو و چهار باب پس از آن انتخاب و از منظر ساختارگرایانه بررسی شده است. الگوهای بارت، یعنی کنش کارکردی، کنش اصلی و کنش فرعی و نیز نشانه‌های روایی، آگاهنده، توصیفی و شبه کنش الگوهایی است که در شناخت ساختار این باب‌ها به کار گرفته شده است.

«بررسی ساختار روایت دو بط و باخه از کتاب کلیله و دمنه بر پایه نظریه گریماس» (رحماندوست: ۱۳۹۶). این مقاله، باب یاد شده را از دیدگاه نشانه-معناشناسی گریماس مورد مطالعه قرار داده و با بررسی انواع نظام‌های گفتمانی در این روایت، جهان‌شمول بودن نظریه گریماس و انعطاف آن را مورد تأیید دانسته است.

«خوانش تحلیلی گفتمان شاهزاده و یاران او در کلیله و دمنه بر پایه نشانه-معناشناسی» (نرماشیری: ۱۳۹۷). این پژوهش با بررسی پیشزمینه‌های زبانی و معنایی به نشانه‌های بازنمود ذهنی تقدیرگرایی در روایت رسیده و گفتمان روایی این باب را گفتمانی با ماهیت و کارکردی نشانه-معناشناختی دانسته است.

«بررسی سبک فکری و عاطفی شخصیت‌های داستان شیر و گاو در کلیله و دمنه نصرالله منشی از دیدگاه نشانه معناشناسی گفتمانی» (وارمیلی و کاظمی: ۱۴۰۱). در این پژوهش، نوع حضور دمنه، شیر و کلیله به عنوان شوشرگر در گفتمان داستان باز کاوی شده و با بررسی و به تصویر کشیدن رخداد‌های داستان به روند مختلف گفتمان عاطفی داستان رسیده است و رسیدن نشانه‌شناسی و سبک‌شناسی به هم، نقطه تلاقی در این مقاله محسوب می‌شوند.

پژوهش‌های دیگری نیز با محوریت کلیله و دمنه و نشانه‌شناسی و گفتمان صورت گرفته که در آنها از آرای فوکو، ولت و دیگران استفاده شده است. نیز علاوه بر بحث نشانه‌شناسی، پژوهش‌ها در مورد کلیله و دمنه بسیار است؛ اما آنچه با محوریت نشانه‌شناسی باشد همین نمونه‌های یاد شده است حال با توجه به مقاله‌های منتشر شده، تا کنون پژوهشی که از دریچه نشانه‌شناسی اجتماعی به دو باب «شاهزاده و یاران او» و «پادشاه و برهمنان» پرداخته باشد، یافته نشد. پژوهش یاد شده هم که به باب «شاهزاده و یاران او» پرداخته، این باب را از دیدگاه نشانه‌شناسی اجتماعی با تمرکز بر رمزگان پنج‌گانه بارت بررسی نکرده است.

۱-۴. مبانی نظری

رمزگان، نظامی نشانه‌ای است که پیام معینی را تولید می‌کند و شامل مجموعه‌ای از نشانه‌ها و قواعد حاکم بر ترکیب آنهاست. رمزگان ممکن است مجموعه ساده‌ای از عناصر همارز باشد (مثل رمزگان مورس یا زبان ماشین)، یا ممکن است ساختار بسیار پیچیده‌ای همراه با قواعدی باشد که صراحتاً تدوین نشده‌اند و اغلب به صورت ناخودآگاه عمل می‌کنند. برای مثال، یک جمله گفتاری در زبان طبیعی به کمک مجموعه‌ای از قواعد نحوی، معنایی و آوایی تولید می‌شود که در مجموع یک رمزگان را می‌سازند.

در حوزه زبانشناسی، نخستین بار فردینان دو سوسور در دوره زبانشناسی عمومی اصطلاح رمزگان را تقریباً به معنای زبان (لانگ: نظام زبان) به کار برد و آن را در مقابل گفتار (پارول: کنش گفتاری فردی) قرار داد. سپس یاکوبسن این اصطلاح را در نظریه ارتباط به کار گرفت؛ اما در نشانه‌شناسی رمزگان بسیار گسترده‌تر از ارتباط است و هر نظام دلالتی را در برمی‌گیرد. مفهوم رمزگان حتی شامل نظامهای فرهنگی نیز می‌شود. کلود لوی استروس آن بخش از زندگی اجتماعی مانند نظام‌های خویشاوندی را که به‌طور مستقیم به ارتباط مربوط نمی‌شوند، از طریق مدل‌های زبانشناسی قابل فهم می‌داند. پیکره بسیاری از مطالعات نشانه‌شناسی را رمزگان فرهنگی و اجتماعی دنیای امروزی تشکیل می‌دهد. رولان بارت در S/Z که خوانشی از سارازین بالزاک است، پنج رمزگان را مشخص می‌کند: هرمنوتیکی، معنایی، نمادین، پروآیرووتیک یا کنشی و فرهنگی.

– رمزگان پروآیرووتیک یا رمزگان کنشی که کنشهای شخصیت‌ها را به‌صورت پی‌رفت‌های روایی سازمان می‌دهد.

– رمزگان هرمنوتیکی یا رمزگان معمایی که واحدهای معنایی‌ای را گرد می‌آورد که به نحوی برای طرح و حل یک مسئله مناسب هستند: بازشناسی معما، پراکندن سرِ نخها، به تأخیر انداختن پاسخ، ارائه راهنمایی‌های دروغین، آشکار کردن حقیقت.

– رمزگان معنایی یا رمزگان مربوط به دلالت‌های ضمنی که مشتمل است بر گزینش برخی از مشخصه‌های معنایی که واحدهای متنی با اندازه‌های متغیر، دلالتی ضمنی بر آنها دارند.

– رمزگان «نمادین» که موجودات و رخداد‌های خاص را به مفاهیم مجرد و عام پیوند می‌دهد.

– رمزگان «ارجاعی» یا فرهنگی که هنگامی به کار گرفته می‌شود که متن برای شکل دادن به معنا خواننده را به استفاده از دانش خود از جهان واقعی فرامی‌خواند» (مکاریک، ۱۳۹۸: ۱۳۸).

تا پیش از این، در بررسی ساختاری و فهم متون به جهان بیرون از متن توجه می‌شد و نظام نشانه‌شناسی درون‌متنی مطرح نبود. «بارت متن سارازین را به ۵۶۱ «واحد معنایی» تقسیم کرد. این واحدها جمله یا جمله‌ای ناتمام و در مواردی واژه‌های هستند. بارت نخست هر واحد را نقل کرد. سپس معناها یا مشخصه‌های آن را توضیح داد. گاه شرح مفصلی از نکته‌هایی که این واحدهای معنایی می‌آفرینند ارائه کرد. نود و سه شرح مفصل (به‌اضافه ده شرح که پیش از متن، همچون مقدمه آمده‌اند) در کتاب یافتنی است. بارت، سپس پنج دسته رمزگان اصلی را از هم جدا دانست. هر مشخصه معنایی و زبانی داستان بالزاک در این پنج دسته جای می‌گیرد. رمزگان اصلی هر دو سویه معناشناسیک و هم‌نشینی را در بر می‌گیرند» (احمدی، ۱۳۹۳: ۲۴۰). سویه معناشناسیک آن روشی است که «واحدهای معنایی» را به هم پیوند می‌دهد و سویه هم‌نشینی روشی است که این واحدها را به دنیای خارج از متن متصل می‌کند. بارت با استفاده از این رمزگان استخراج‌شده از ساختار داستان، به ساختار و خط فکری داستان پی‌برد. رمزگان کنشی از نظر او هر کنشی که روایت را به پیش می‌برد از کوچک‌ترین حرکتها تا فاجعه‌بارترین اقدامات سوژه‌های روایت را در برخواهد گرفت، همانند «گشودن دری تا کشتن کسی». کنش‌ها از نظر بارت به یکدیگر پیوند خورده‌اند و زنجیرهای از کنشها در هر روایت وجود دارد.

رمزگان معناشناسانه که تقریباً به کلی بر ویژگی‌های درونی و روان شخصیت‌های روایت نظارت دارد. با این نوع رمزگان میتوان به شناخت محیط روایت شده و شخصیت‌های مؤثر آن پی برد. به نظر می‌رسد هر چه واژگان روایت در مورد سوژه‌ای بیشتر باشد، می‌توان به حوزه معنایی گسترده‌تر و شناخت بیشتری از او نیز دست یافت. برای مثال در روایت «شاهزاده و یاران او» در بخشی از روایت که مربوط به توانگر بچه است ما به حوزه معنایی و شناخت بیشتری از سوژه به‌واسطه اطناب سخن، ورود می‌کنیم. ممکن است واژه‌ها و عبارات به‌صورت مستقیم به کار نروند و ما با سلسله‌ای از معناها به یک صفت از سوژه‌مان واقف شویم.

رمزگان فرهنگی یا ارجاعی؛ این دسته از رمزگان ما را به شناخت بیشتر و موثق‌تری از عصر روایت نزدیک می‌کند. این رمزگان ممکن است متکی بر دانش‌هایی باشد که روایت با توجه و کمک آنها شکل گرفته است، دانش‌ها یا واقعیت‌هایی که در داستان به کار برده شده‌اند و یا راوی آشنا با تمامی افراد و کنشگران روایت، به‌طوری که بر همه امور انجام گرفته توسط آنان اشراف دارد. مثلاً در روایت «پادشاه و برهمنان» ما به این واقعیت می‌رسیم که تعبیر خواب یا خواب‌گزاری یک دانش یا آیین مرسوم در دوره روایت است همانند تقدیر باوری و شاه‌پرستی در روایت «شاهزاده و یاران او».

رمزگان هرمنوتیک که حالتی معماگونه دارد و نیاز به گشودن این معماها در آنها محسوس است. بارت آنها را «رمزها و کشف رمزهای داستان» و یا «الگوی پلیسی داستان» می‌داند. پرسش‌ها هم در حوزه این رمزگان جای می‌گیرند و حتی معنای پرسش‌ها و هویت پرسش‌گر نیز برای گشودن رمزها اهمیت دارد. «رمزگان نمادین؛ منطلق این رمزگان، از منطلق هر روزه، آشنا، استدلالی و تجربی جداست، همچون منطق رؤیاست. زمان توالی یا جانشینی رخدادهای نامعمول است» (احمدی، ۱۳۹۳: ۲۴۱).

بارت دو رمزگان هرمنوتیک و رمزگان کنشی را از رمزگان دیگر مهم‌تر دانسته است و به‌گونه‌ای این دو اساس دیگر رمزگان را شکل می‌دهند.

علاوه بر رمزگان پنج‌گانه، بارت مباحثی درباره «نامه‌ای خاص» مطرح کرده است. او موفقیت یک رمان‌نویس را در انتخاب نامه‌ای مناسب برای شخصیت‌هایش می‌داند. «او در مقاله «بررسی ساختاری داستانی از ادگار آلن پو» (۱۹۷۳) نام خاص را «امیر دالها» خوانده است که «معناهای ضمنی بسیار دارد، هم از دیدگاه اجتماعی و هم از نظر نمادین» (همان: ۲۲۳). در بحث و بررسی پژوهش بیشتر به این امر پرداخته می‌شود اما «امیر دالها» از نشانه‌هایی است که در کلیله و دمنه هم جای تأمل دارد. در باب «شاهزاده و یاران او» اولین اقدام در این زمینه همین عنوان باب است، «شاهزاده» و یاران او دلالت بر اهمیت شاهزاده و فرع بودن یارانش دارد و همچنین در باب «پادشاه و برهمنان» این نام‌گذاری دقت شده است؛ هرچند که در این باب شرایط کمی متفاوت است. از طرفی پادشاه امیر دالها می‌شود تا مخاطب از همان ابتدا بداند آنچه در ابتدای باب پرسش می‌شود یعنی حلم و کیفیت آن بیش از هر کس در مورد پادشاه و تصمیمات اوست چراکه فرمانروای سرزمین است و قدرت در دست او است؛ اما آوردن برهمنان در عنوان کمی رهن است چراکه خواننده ابتدا گمان می‌کند آنچه در انتظار خوانش است روابط بسیار مهم میان پادشاه و برهمنان باشد، در صورتی که کنش برهمنان چندان اهمیتی ندارد و تنها در بخش ابتدایی روایت

وسیله‌ای است برای برسنجیدن عیار حلم پادشاه. آنچه مهم است کنش و تصمیم‌های پادشاه در قبال دیگران است؛ آن هم نه برهمنان بلکه خانواده و نزدیکانش. پس می‌توان در اینجا «برهمنان» را نقطه مقابل «امیر دالها» در نظر گرفت.

آنچه بارت به آن کمتر توجه نشان داده است و نیز پژوهشگران در خوانش این مدل و شیوه نشانه‌شناسی به آن توجه نکرده‌اند، شیوه‌های بلاغی به کاررفته در هر متن است. به نظر می‌رسد صنایع بلاغی مختلف موجود در متن، تأثیر شگرفی در ساخت هر یک از رمزگان و تولید معنا داشته باشد.

۲_ بحث

۲-۱. باب پادشاه و برهمنان

این باب با پرسش دربارهٔ نیکوترین خصلت‌های پادشاهان آغاز می‌شود. از میان حلم و سخاوت و شجاعت کدام یک برتر و موجب پایداری دولت خواهد بود؟ و برهنم حلم را برتر از دیگر خصایص می‌داند و داستان شاه هند و همسرش را روایت می‌کند. هبلار شاه شبی هفت بار خوابی هولناک دید و بسیار از آن ترسید پس برای تعبیر، آن خواب را با برهمنان در میان نهاد. آنها که نشانه‌های خوف را در حالات پادشاه مشاهده کردند به فکر حیل‌گری افتادند چراکه روزگار درازی از پادشاه و رفتارش نسبت به برهمنان ناراضی بودند. پس تعبیر بسیار هولناکی گزارش دادند و از هبلار خواستند همسر، وزیر، پسر و... را برای پیشگیری فاجعه بکشد تا از این طریق انتقام خود را از پادشاه و خویشان و نزدیکان او بگیرند. بلار وزیر که بسیار با درایت بود از حال و روز پادشاه نگران شد اما خود چیزی نگفت و آن را با ایراندخت همسر شاه در میان نهاد. ایراندخت که از راهنمایی‌های وزیر نیز بهره‌مند بود زیر کانه دلیل این آشفتگی را از هبلار جویا شد. پس از آن پادشاه را به مشورت با کارایدون حکیم توصیه کرد. کارایدون خواب پادشاه را به گونه‌های دیگر و سراسر خیر تعبیر کرد و این تعبیر به زودی یکی پس از دیگری رخ داد؛ بنابراین پادشاه به واسطهٔ ایران‌دخت از اتفاقات ناگواری نجات یافت و برای تقدیر از همسرش از او خواست میان تاج و جامه‌ای گران‌بها یکی را برگزیند، ایران‌دخت که همواره در هر کاری در خفا با وزیر مشورت میکرد در اینجا نیز نظر او را خواست و وزیر به جامه نگاه کرد، اما در این بین پادشاه وزیر را دید و ایران‌دخت برای اینکه پادشاه متوجه این ارشادهای پنهانی نشود تاج را برگزید و جامهٔ گران‌بها به همسر دیگر هبلار هدیه شد، اما شبی هبلار شاه مهمان ایران بود که همسر دیگر با آن جامه فاخر بر تن از پیشگاه آنها گذر کرد و پادشاه که بیشتر خوش داشت آن جامه از آن ایراندخت باشد او را سرزنش کرد و به ستایش همسر دیگر پرداخت، ایراندخت از روی حسادت طبق برنج را بر سر پادشاه ریخت. پادشاه از این امر بسیار خشمگین شد و دستور به قتل او داد؛ اما بلار، وزیر باتدبیر دست نگه داشت و ایراندخت را پنهان کرد و به پادشاه گفت دستورت اجرا شد. از این پس هبلار شاه که بر اساس خشم و عجولانه حکم داده بود از تصمیم‌اش پشیمان شد و به مؤاخذهٔ وزیر پرداخت که چرا بیدرننگ دستورم را اجرا کرده‌ای. در ادامه وزیر با گفتوگویی حکیمانه پادشاه را متوجه خطایش می‌کند، بر این اساس پادشاه به عنوان حاکم سرزمین نباید عجولانه حکم صادر کند و باید که در تصمیماتش حلم پیشه کند.

در این باب پادشاه به‌عنوان مظهر و نماد قدرت در موقعیت‌هایی قرار می‌گیرد که تصمیم‌گیری شتاب‌زده فرمانروایی‌اش را رو به زوال خواهد برد. ایراندخت که نمونه و نمادی از جامعهٔ تحت حکمرانی قدرت است با

خطایی کوچک در معرض عقوبتی سخت قرار می‌گیرد و ممکن بود پادشاه به دلیل نداشتن حلم عزیزترین شخص در دستگاهش را از دست بدهد. این داستان در پاسخ به پرسش ابتدایی از میان سخاوت، شجاعت و حلم آن را برمی‌گزیند که دیگر خصایص در پناه امن آن خصیصه برقرار خواهند ماند و شامل همه خواهد شد و آن حلم است.

۲-۱-۱. رمزگان معمایی (هرمنوتیکی):

در این باب رمزگان معمایی به دو شکل دیده می‌شود. ابتدای باب مطلبی در مورد حلم مطرح می‌شود و برای مثال و نمونه‌ای از حلم و فایده و کارکرد آن داستان شاه هبلار آغاز می‌شود. معمای دیگر خواب پادشاه است، خوابی که همچون معما باید گشوده شود و برای تعبیر و گزارش این خواب که به ظاهر هولناک می‌نماید پادشاه ناگزیر دست به دامان برهمنان می‌شود. آنها که مدت‌ها در پی جبران خسارتهای وارد آمده از جانب شاه به برهمنان بودند، تصمیم می‌گیرند خواب پادشاه را به گونه‌های تعبیر کنند که او را غیرمستقیم و به یکباره خلع قدرت و سپس از زندگی ساقط کنند. آنها می‌گویند پادشاه برای برون رفت از عواقب شوم این خواب باید همه نزدیکان عزیز خود از جمله بلار وزیر، ایراندخت و پسر و... را که هر یک مایه قدرت شاه بودند، به هلاکت برساند. پادشاه پس از تردید و اندوه به کمک ایراندخت با کارایدون حکیم دیدار می‌کند و خوابش به بهترین شکل گزارش می‌شود و پس از یک هفته یکی پس از دیگر تعبیر شده و رمزگان این خواب معماگونه گشوده می‌شود.

۲-۱-۲. رمزگان کنشی:

در این باب بیش از همه کنش پادشاه، برهمنان، وزیر و ایراندخت کانون توجه است و داستان با کنش این افراد پیش می‌رود.

رمزگان کنش روایی در داستان «پادشاه و برهمنان» به صورت نحوی بروز کرده است. به طوریکه روایت باب به صورت گفت‌وگوهای دوجانبه پیش رفته است:

- گفتگوی پادشاه و برهمنان؛ روایت خواب پادشاه برای برهمنان و گزارش تعبیر خواب او؛ در این گفت‌وگو برای پوشش دادن به کنش دروغین براهمه عبارت «أخوكَ مَنْ صَدَقَكَ» (نصرالله منشی، ۱۳۶۲: ۳۵۴) تضمین می‌شود.

- گفت‌وگوی وزیر و ایراندخت: پی‌بردن وزیر به نگرانی و آشفتگی پادشاه و در میان نهادن با ایران‌دخت و طلب کمک از او؛

- گفت‌وگوی ایراندخت و پادشاه؛

- گفت‌وگوی پادشاه و کارایدون؛

- گفت‌وگوی وزیر و پادشاه؛ گفت‌وگوی نهایی پرسش محورانه و اقتاعی پیش می‌رود.

پس در این باب ساختار نحوی و ساختار معنایی از مسیر مکالمه است و با آنچه بارت در «سارازین» ارائه داده، کاملاً منطبق است. از نظر بارت سارازین روایتی سخت پیچیده و داستان در داستان دارد؛ یعنی یک راوی داستان را برای یک شخص دیگر روایت می‌کند و راوی دیگر که نویسنده است، داستان را برای خوانندگان روایت می‌کند و برای شناخت داستان نیازی به کشف واقعیت‌ها نیست بلکه باید رمزها را شناخت؛ بنابراین در ک کارکرد واژگان از مسیر مکالمه میان ساختار نحوی و ساختار معنایی است.

جز کنش‌هایی که در گفت و گوها شاهد آن هستیم، به بخش دیگری از کنش‌های افراد در حدیث نفس پادشاه پی‌می‌بریم، از جمله ایراندخت، بلار وزیر، کاک دیر و...

۲-۱-۳. رمزگان معنایی

باب پادشاه و برهمنان حول محور حلم و خوش‌خویی و اهمیت و آثار این خصلت نیکو در فرمانروایی و پایداری ملک سخن می‌گوید اما معناهای ضمنی نیز در این داستان خودنمایی می‌کند. از جمله اهمیت و جایگاه زن، این اهمیت در عنوان داستان یعنی «خصومت شاه هند و قوم او» نیز نمایان است. ایهام نهفته در واژهٔ قوم به معنای نزدیک خویشاوندان و معنای دور همسر که با مطالعهٔ داستان می‌بینیم معنای دیریاب یعنی همسر در اینجا مورد نظر است. در کنار حلم پادشاه، تدبیر و زیرکی عنصر زن داستان بسیار پررنگتر از دیگر صفات زنانه به تصویر کشیده شده است. این در حالی است که غالباً کلیله و دمنه را یک اثر ضد زن معرفی کرده‌اند و این باب فرضیه پیش‌آمده را مورد تردید قرار می‌دهد.

دیگر رمزگان معنایی باب حاضر تأکید بر آیین تعبیر خواب در نزد قدماست. هر دو گونه تعبیر خوب و بد در این داستان نمود یافته است. تعبیر برهمنان که از علم و دین دامن‌گیر بی‌بهره‌اند و با خدعه و حيله‌گری همراه است و تعبیر کارایدون حکیم که تماماً به‌درستی اتفاق می‌افتد، حتی نکتهٔ پایانی در تعبیرش: «و آنچه بر سر مبارک پادشاه، چون آتش، چیزی می‌درفشید تاجی باشد که شاه جاد پیش خدمت فرستد؛ و مرغی که نوک بر سر ملک میزد در آن توهم مکروهی است، هرچند آن را اثری و آن را ضرری بیشتر نتواند بود؛ الا آنکه از عزیزی اعراض نموده [آید]» (نصرالله منشی، ۱۳۶۲: ۳۷۰). این مورد با دشمنی هبلار و همسرش تعبیر می‌شود.

معنای دیگر که اشاره به قربانی برای رفع بلا دارد، آیین بلاگردانی از پادشاه با قربانی افراد دیگر که آیینی دیرینه در جهان باستان بوده است، در لایه‌های زیرین معنای اصلی باب نهفته است.

۲-۱-۴. رمزگان نمادین

خواب پادشاه نمادهایی را در بردارد. همچنین رمزگانی که ایراندخت برای وزیر و پسر و شمشیر و... برمی‌شمرد. علاوه بر این در داستان پادشاه و برهمنان نیز همانند برخی باب‌های دیگر کلیله و دمنه از داستان یوسف پیامبر کمک گرفته شده است. خواب پادشاه مانند خواب عزیز مصر است، ملک هبلار پس از گزارش خواب‌هایش توسط برهمنان، به بیت‌الاحزان رفت. بیت‌الاحزان همان ماتم کده یعقوب نبی است که در فراق فرزندش یوسف به آن پناه می‌برد و ناله و گریه سر می‌داد.

نیز داستانک دو کبوتر در این باب نمادی از وقایع پیش‌آمده است و کبوتر نر نماد پادشاه که عجولانه و کورکورانه تصمیم می‌گیرد.

۲-۱-۵. رمزگان ارجاعی (فرهنگی):

در این باب هم از آیات و احادیث اسلامی استفاده شده هم آثار و نشانه‌های دنیای باستان را با خود دارد. این تلفیق نشانگر افزودن این باب پس از اسلام به متن کلیله و دمنه اصلی است. به همین دلیل مخاطب در شناخت عصر روایت دچار نوعی دوگانگی می‌شود.

۲-۲. باب شاهزاده و یاران او

ابتدای باب با طرح این پرسش آغاز می‌شود که چگونه شخص دارای عقل و زیرکی دچار سختی و بلا می‌شود؛ اما شخصی فرومایه و نادان از نعمت بهره‌مند می‌شود؟ نه عقل برای شخص اول دستاویز می‌شود و نه جهل مانع شخص نادان؟ سپس در پاسخ، قضای آسمانی دلیل سعادت دانسته می‌شود و داستان پادشاهزاده به‌عنوان نمونه ذکر می‌شود. داستانی که از همراهی چهار شخص در سفر سخن می‌گوید. شاهزاده، توانگر بچه‌ای زیبا، بازرگان بچه‌ای کاردان و خردمند و برزیگر بچه‌ای توانمند. در نظر هر یک امری مایه سعادت است؛ از نظر شاهزاده تمام تلاشها زیر سایه قضای الهی مؤثر است، شریفزاده زیبایی را موجب سعادت می‌داند، پسر بازرگان خرد و تدبیر درست را و برزگر هم تلاش و کوشش را موجب سعادت می‌دانند. این چهار هم‌سفر، خسته و مانده وارد شهری می‌شوند، پس هریک در روزی مشخص مسئول تهیه و تدارک قوت دوستانش می‌شود. در روز نخست برزگر بچه که از نظر قوای جسمانی از دیگران قوی‌تر بود با کار و تلاش و از راه گردآوردن و فروش هیزم غذای چهار نفر را فراهم می‌کند. روز بعد شریفزاده با زیبایی‌اش زنی ثروتمند را شیفته خود ساخته و از این راه پانصد درم به دست می‌آورد. در روز سوم جوان بازرگان با خردمندی از راه خرید و فروش بار کشتی که گران‌بها نیز بود صد هزار درم سود می‌برد و در روز دیگر پادشاهزاده که سخت بر توکل نمودن اعتقاد داشت به سمت شهر روانه می‌شود امیر آن شهر به‌تازگی از دنیا رفته بود و او نیز به قصد تماشای مراسم به سرای آن امیر وارد شد اما او که مانند دیگران در این سوگ ناله و زاری و همراهی نمی‌کرد توسط نگهبان دستگیر و در گوشه‌ای حبس شد. روز دیگر درباریان جمع شدند تا جانشینی برای پادشاه در گذشته و بدون وارث انتخاب کنند که نگهبان از حبس شخصی جاسوس سخن گفت و بزرگان خواستند او را ببینند. پس پادشاهزاده از سرگذشت خود و شاهزاده بودنش گفت. اینکه پس از رسیدن برادر به قدرت و پادشاهی، برای نجات جان خود مجبور به ترک وطن و آوارگی شده است. پس از تأیید اصالت شاهزاده به‌وسیله گروهی از بازرگانان که او و خاندانش را می‌شناختند، تصمیم بر این شد پادشاهی شهر را به او بسپارند.

پادشاهزاده در این داستان از باب پایانی کلیله و دمنه نماد تقدیرگرایی و شاه‌باوری است. سراسر این باب دربرگیرنده همین مضمون است. درون مایه‌ای که غالب داستان‌های شرقی را می‌سازد. هر جا که باور به داشتن پادشاه و قدرت مطلق دانستن او و توجیه مجاز بودن این قدرت در میان بوده، بر تقدیرگرایی تأکید و تمسک جسته شده است. به‌نظر می‌آید چنین تفکری تنها با این توجیه می‌توانسته برای قرن‌ها بر جامعه حکومت کند و این افق ایدئولوژیک باب «شاهزاده و یاران او» است. با این مقدمه به بررسی این باب از دیدگاه نشانه‌شناسی و رمزگانی که تولید معنا کرده‌اند، می‌پردازیم.

۲-۲-۱. رمزگان معمایی (هرمنوتیکی)

باب شاهزاده و یاران او با رمزگان معمایی آغاز می‌شود، البته استفهام شیوه‌ای است که در تمامی باب‌های کلیله و دمنه رعایت شده است. به‌طوری که هر باب با طرح پرسشی وارد بحث پیرامون یک مضمون خاص می‌شود. در این باب پرسش این است: چگونه شخص بخشنده، عاقل و زیرک که بر همه مسائل احاطه دارد درگیر رنج و سختی می‌شود اما شخص فرومایه و غافل و نادان در سایه نعمتها و جایگاه مورد رشک همگان، روزگار می‌گذراند؟ پس از این پرسش، برای تأکید بر مفهوم و مضمون، بیتی عربی سپس بیتی فارسی شاهد آورده می‌شود. در بیت فارسی نشانه‌هایی

چون واژه «نحس» و «دور» موضوع تقدیر و قضای الهی را به تثبیت می‌رساند و داستان در گشودن این پرسش‌های معماگونه پیش می‌رود.

۲-۲-۲. رمزگان کنشی

ماجرای این داستان با کنش‌های چهار شخصیت بسط و شکل می‌یابد. پادشاه‌زاده، بازرگان‌بچه، برزیگر بچه و توانگر بچه:

- پادشاه‌زاده با نشانه‌هایی چون «طهارت عرق، شرف منصب، علامات اقبال، امارات دولت، استحقاق وی منزلت مملکت...» (نصرالله منشی، ۱۳۶۲:۴۰۹).

- از نشانه‌های توانگر بچه؛ «نوحط، حور بهشت پیش جمالش سجده بردی، شیر سوار فلک پیش رخسارش پیاده شدی» (همان: ۴۰۹).

- بازرگان بچه با نشانه‌هایی چون «هشیارِ کاردانِ وافر حزمِ کامل خردِ صایب رأیِ ثاقبِ فکرت» (همان: ۴۰۹). و در بیت عربی در توصیف او آمده: جوانمردی سخی، پیروز بر مرادها، خداوند تنگنای جنگ، دانا به کارهای پوشیده که خبر می‌دهد از نادیده.

- نشانه‌های برزیگر بچه «توانا، با زور، در ابواب زراعت بصارتی شامل و در اصناف حراثت هدایتی تمام» (همان: ۴۱۰).

همان‌طور که یادآور شدیم، هر یک از شخصیت‌های داستان، کنش‌هایی از خود بروز می‌دهند که شخصیت ذاتی کنش‌گر را نشان می‌دهد؛ اما در معرفی چهار کنش‌گر جز پادشاه‌زاده که از پسوند «زاده» برای فرزند پادشاه استفاده شده است، برای سه شخصیت واژه «بچه» به کار رفته است؛ یعنی این واژه به بازرگان، توانگر و برزیگر اضافه شده است که نوعی حقارت و بی‌اهمیتی جایگاه آنان را می‌رساند و نشان از برتر بودن فرزند پادشاه است. تنها در یک مورد شریف‌زاده به کار رفته است و آن هم از ارتباط نژادی و نسبت شریف‌زاده به قدرت گرفته شده است.

این داستان علاوه بر گفتمان برتری تقدیر بر عقل و ثروت و زیبایی و کوشش، گفتمان‌های دیگری چون داشتن فره ایزدی شاهان (قدرت) را نیز در بر می‌گیرد. فره و تأیید الهی که در شاهنامه نیز اهمیت شایانی دارد مانند سعادت بی‌دلیل و از روی هوس خدایانهٔ اساطیر یونانی نیست، این نوع فره با کردار و رفتار و لیاقت شخص هماهنگی دارد. سرچشمهٔ فره ایزدی در اساطیر ایرانی به «کیومرث» می‌رسد که او نیز سمت پادشاهی داشته است. «می‌توان تغییر خوی و نیت صاحبان فره را که منجر به گسستن فره ایزدی از آنان می‌شود و همچنین استفاده از زیبایی برای آفرینش زشتی را یکی از عمده‌ترین وسایل و حیل‌های اهریمن در عرصهٔ پیکار خیر و شر طبق سنت داستان‌های باستانی ایران دانست» (مرتضوی، ۱۳۹۱:۱۵۴).

نیز باب «شاهزاده و یاران او» تفکر و ایدئولوژی طبقاتی بودن جامعه را یادآور می‌شود. آنجا که پادشاه‌زاده پس از رسیدن به حکومت، بازرگان زاده را در دستگاه قدرت خود میان وزیران حفظ می‌کند، توانگرزاده را «صلتی گران فرمود و مثال داد که از این دیار بیاید رفت...» (نصرالله منشی، ۱۳۶۲:۴۱۴)، اما هیچ‌گونه یادی از برزیگر بچه نمی‌رود و او به هیچ جایگاهی از قدرت و ثروت نمی‌رسد. اینجا گفتمان قدرت بر دیگر طبقات جامعه سلطه یافته

و آنها را به کنار می‌نهد.

۲-۳-۲. رمزگان معنایی

رمزگانی است که به حوزه دلالت‌های ضمنی مربوط می‌شود. پیش از این به وجود درونمایه‌های فرعی پیرامون متن اصلی اشاره کردیم. حال برای اشاره‌های ضمنی به این درونمایه‌ها از واحدهای متنی متغیری استفاده شده است. برای نمونه وقتی به ترتیب شخصیت‌ها به دنبال یافتن روزی روانه شهر می‌شوند، آنجا که نوبت به شریف‌زاده (توانگر بچه) می‌رسد روایت و گزارش عملکرد او بلندتر از دیگر شخصیت‌ها می‌شود، یک روایت مختصر اما کامل از او ارائه می‌شود. در اینجا اشاره‌های ضمنی به داستان یوسف و زلیخا می‌شود، به این صورت که با آوردن زن توانگر و فرستادن کنیزکش برای دعوت توانگرزاده زیبا برای آمدن به خانه‌اش، داستان شیفتگی و عشق زلیخا به یوسف را به ذهن متبادر می‌کند؛ اما این مقایسه ضمنی در ذهن خواننده صورت می‌گیرد و خواننده به تفاوت شخصیتی یوسف و کنش‌گر این روایت پی می‌برد. در این روایت حتی آیه‌ای از سوره یوسف (ع) نیز آورده می‌شود و این اشاره تلویحی قوی‌تر شده و به اشارهای تصریحی نزدیک می‌شود. تشبیهاتی که به دلالت‌های ضمنی کمک می‌کند «شیر سوار فلک پیش رخسارش پیاده شدی» شیر سوار فلک که استعاره از خورشید است در تشبیهی تفضیلی از نظر زیبایی چهره کمتر از توانگرزاده دانسته شده است، این تشبیه نیز انگارهای از یوسف و زیبایی‌اش را یادآور می‌شود و علاوه بر این سجده بردن خورشید و ماه و ستارگان بر یوسف را تداعی می‌کند و تکرارهایی که ما را به سوی فره ایزدی شاهان سوق می‌دهد. در کل این بخش از باب شاهزاده و یارانش ارتباط تنگاتنگی با روایت قرآن کریم از یوسف (ع) دارد که در واقع ارتباط بینامتنی با روایت یوسف پیامبر دارد.

۲-۴-۲. رمزگان نمادین

در این باب شاهزاده و همراهانش هر یک نمادی از یک طبقه جامعه هستند. وقتی توانگرزاده در انتهای روایت به بیرون از آن ولایت اخراج می‌شود نمادی از یوسف زیبای به زندان افکنده شده است، زیبایی عامل فساد تلقی شده و باید برای داشتن یک آرمان‌شهر او را از آنجا بیرون راند.

بچه کشاورز نخستین کسی است که برای یافتن روزی راهی می‌شود و نتیجه تلاش او از همگی یاران کمتر است، او نمادی از فدا شدن طبقه فرودست برای نجات طبقه فرا دست است.

فرزند بازرگان دارای مهارت‌هایی معرفی می‌شود که هر یک برای فرمانروایی و سیاست‌گذاری ارزشمند است و در نهایت هم او را در سمت وزیران می‌بینیم. او نماد و نشانه نفوذ و قدرت ثروت و دارایی است.

۲-۵-۲. رمزگان ارجاعی (فرهنگی)

پس از آنکه شخصیت اصلی داستان یعنی شاهزاده از نابسامانی به سامان می‌رسد، این امر با تقدیر الهی رقم می‌خورد و برای تأکید بر این دستاویز (تقدیر)، مخاطب به مثال‌هایی از زبان حاضرین به‌عنوان شاهد عینی ارجاع داده می‌شود. این ارجاعات که از فرهنگ روایت برآمده است پذیرش مضمون روایت را برای مخاطبان تسهیل می‌کند. یا در موقعیت‌هایی که در معرفی و کنش شخصیت‌ها آیات و ابیات مثال آورده می‌شود، این ارجاعات برآمده از فرهنگ و دین است. با توجه به اینکه به جز باب‌های نخستین کلیله و دمنه باب‌های دیگر در دوران

متأخرتری به کتاب افزوده شده است، این باب‌ها حاوی روایت‌هایی با رنگ و بوی اسلامی هستند. در این داستان که محور اصلی آن قضا و تقدیر الهی است قضا نقش بسیار مهمی در سرگذشت و سرانجام شاهزاده ایفا می‌کند و تغییر و تحول در زندگی او ایجاد می‌کند، او را از موقعیت آوارگی به موقعیتی ایده‌آل می‌رساند. چنانکه رفتن شاهزاده به سرای ملک در گذشته از روی تقدیر بود و شاهزاده هم ابتدای امر با توکل قدم به سوی آن شهر گذاشته بود. پس در این داستان با توجه به اتفاقات و کنش‌هایی که برای شاهزاده پیش می‌آید تغییراتی در زندگی‌اش پدید می‌آید که ارزش‌های دیگری چون عقل، زیبایی و کوشش به کناری نهاده می‌شوند و قضا و تقدیر الهی به‌عنوان ارزش برتر معرفی می‌شود.

۲-۳. شیوه‌های بلاغی و تولید معنا

چنان که پیش از این نیز ذکر شد، در بررسی و هم‌سنجی رمزگان پنج‌گانه با دو باب از کلیله و دمنه شاهد تأثیر بلاغت در شکل‌گیری رمزگان و در نتیجه تولید معنا هستیم. در اینجا به برخی از شاخص‌ترین صنایع بلاغی به کار رفته در دو متن می‌پردازیم:

استفهام

- پادشاه و برهمنان: «از خصلت‌های پادشاهان کدام ستوده‌تر است و به مصلحتِ ملک و ثباتِ دولت و تألفِ اهوا و استمالت دل‌ها نزدیک‌تر، حلم یا سخاوت یا شجاعت؟» (نصرالله منشی، ۱۳۶۲: ۳۴۷)

- شاهزاده و یاران او: «چون کریمِ عاقل و زیرکِ واقف بستهٔ بند بلا و خستهٔ زخمِ عنا می‌باشد، و لثیمِ غافل و ابله جاهل در ظلِّ نعمت و پناهِ غبطتِ روزگار می‌گذرانند؟» (همان: ۴۰۸)

هر دو باب با پرسش‌هایی آغاز می‌شود و باب‌ها حول موضوع مطرح‌شده در پرسش‌ها پیش می‌رود. در واقع پرسش‌های طرح‌شده همچون معمایی است که روایت دو باب باید به آن پاسخ گوید؛ بنابراین رمزگان معما در دو باب با استفهام پیوند دارد.

تلمیح و عناصر بینامتنی

- شاهزاده و یاران او: «ناگهان زن توانگری بر وی گذشت و او را بدید، مفتون گشت و گفت: ما هذا بشرأ ان هذا آلا ملک کریم». (همان: ۴۱۲) و نیز اشارهٔ ضمنی «از این دیار ببايد رفت تا زنان به تو مفتون نگردند و از آن فسادى نزايد» (همان: ۴۱۴).

- پادشاه و برهمنان: «پس گوئیم آن خون که شخص تو رنگین کرد شرّ آن بدان دفع شود که طایفه‌ای را از نزدیکان خویش بفرمایی تا به حضور ما بدان شمشیر خاصه بکشند». (همان: ۳۵۲) و نیز به کارگیری «بیت‌الاحزان» و «شی به هفت کَرّت هفت خواب هایل دید» (همان: ۳۵۱).

تلمیح به آیهٔ ۳۱ سوره یوسف و دیگر عناصر بینامتنی دو روایت را به روایت یوسف و زلیخا، غم یعقوب نبی در فراق یوسف (ع) و نیز خواب‌های پادشاه مصر پیوند زده است و این ارتباط بینامتنی در ساخت رمزگان نمادین و معنایی نقش زیادی داشته است و مثال ابتدایی ذکر شده در باب پادشاه و برهمنان به رسم قربانی و بلاگردانی از پادشاه اشارهٔ ضمنی دارد. همان‌طور که می‌بینیم رمزگان فرهنگی در دو باب برابندی از دورهٔ اسلامی و باستان است.

لف و نشر

نگارخانه چین است و ناف آهو چین
 درون چین دو زلف و برون چین قباش
 (همان: ۴۱۲)

اندر برم و بریزم ای طرفه ری
 در خانه ترا و در قدح پیش تو می
 بیرون کشم و پاک کنم اندر پی
 از پای تو موزه وز بُناگوش تو خوی
 (نصراله منشی، ۱۳۶۲: ۴۱۲)

طبق نمونه‌هایی از اضافه‌ها و تشبیه تفصیل که پیش از این در بخش رمزگان کنشی ذکر شد و مثال‌های لَف و نشر که نمونه اول بر زیبایی و نمونه دوم بر فرمانبرداری شخصیت توانگرزاده در باب «شاهزاده و یاران او» دلالت دارد، صنایع بلاغی یاد شده در معرفی شخصیت‌ها و کنش‌های آنان نقش به‌سزایی داشته است و تأثیر ویژه‌ای در روند تولید معنا به‌واسطه رمزگان کنشی دارند.

۳. نتیجه‌گیری

در این پژوهش سعی شد از دیدگاهی ساختارگرایانه و بر اساس مدل فرهنگی رولان بارت که رمزگان پنجگانه نام گرفته است دو باب «پادشاه و برهمنان» و «شاهزاده و یاران او» مورد بررسی قرار گیرد. طبق دیدگاه بارت هر یک از دو باب یاد شده، دارای پنج کد یا رمزگان معمایی (هرمنوتیک)، کنش روایی، معنایی، نمادین و رمزگان فرهنگی (ارجاعی) است.

رمزگان معمایی یا هرمنوتیکی در هر دو باب، از رمزگان اصلی و محوری داستان است؛ رمزگانی که داستان دو باب در ادامه پاسخ به آن شکل می‌گیرد و تا جایی که به این پرسش پاسخ کامل داده شود داستان ادامه می‌یابد. در رمزگان هرمنوتیکی هویت پرسشگر اهمیت دارد، هر دو باب با پرسش پادشاه از برهمن آغاز می‌شود و موضوع حول مسائل پادشاهی می‌چرخد و پادشاه در دو باب مذکور محوریت دارد.

با توجه به رمزگان یافته شده در دو باب، می‌توان گفت نویسنده هیچ‌یک از آرا و عقاید شخصی خود را در پیشبرد داستان به کار نگرفته است، حتی رمزگان فرهنگی که نشان دهنده عصر روایت هستند، در دو باب مورد مطالعه به‌نوعی پیچیده‌اند؛ چرا که از دو فرهنگ دنیای باستان و اسلامی در داستان‌ها، به‌ویژه باب «پادشاه و برهمنان» نشانه‌هایی مشاهده می‌شود و این ویژگی می‌تواند به سبب تأخر نگارش این دو باب و افزودن آن به کلیله و دمنه اصلی در دوره اسلامی باشد.

در پایان باید یادآور شد در هر دو باب از فنون بلاغی در ساخت رمزگان و برای تولید معنا استفاده شده است؛ به‌طوریکه به کارگیری اضافه‌ها، تشبیه تفصیل و صنعت لَف و نشر در معرفی کنش شخصیت‌ها مؤثر بوده است. استفاده از تضمین و عناصر بینامتنی ما را به رمزگان فرهنگی سوق می‌دهد. بهره‌گیری از تلمیح به تولید معنا در دو رمزگان معنایی و نمادین کمک می‌رساند و استفهام در هر دو باب با رمزگان معمایی در ارتباط است.

منابع

- احمدی، بابک (۱۳۹۳)، *ساختار و تأویل متن*، چ هفدهم، تهران: مرکز.
- حبیبیان، مریم و سعید حسامپور (۱۳۹۵)، «بررسی نقش کنش و نشانه در پیوند موضوعی پنج باب هندی کلیله و دمنه

- نصرالله منشی، «متن‌شناسی ادب فارسی، سال هشتم، شماره ۲، شماره پیاپی ۳۰، ۶۰-۳۹.
- رحماندوست، جواد (۱۳۹۶)، «بررسی ساختار روایت دو بطن و باخه از کتاب کلیله و دمنه بر پایه نظریه گریماس»، نهمین همایش ملی پژوهش‌های زبان فارسی، بیرجند، <http://civilica.com/doc/829230>
- مرتضوی، منوچهر (۱۳۹۱)، *فردوسی و شاهنامه*، چ چهارم، تهران: توس.
- مکاریک، ایرنا ریما (۱۳۹۸)، *دانشنامه نظریه‌های ادبی معاصر*، ترجمه مهران مهاجر و محمد نبوی، چ ششم، تهران: آگه.
- نرماشیری، اسماعیل (۱۳۹۷)، «خوانش تحلیلی گفتمان «شاهزاده و یاران او» در کلیله و دمنه بر پایه نشانه-معناشناسی»، دو فصلنامه زبان و ادبیات فارسی، سال ۲۶، شماره ۸۵، ۲۲۹-۲۱۱.
- نصرالله منشی، ابوالمعالی (۱۳۶۲)، *کلیله و دمنه*، تصحیح و توضیح مجتبی مینوی، چ هفتم، تهران: امیرکبیر.
- وارمیلی، نادیا و فروغ کاظمی (۱۴۰۱)، «بررسی سبک فکری و عاطفی شخصیت‌های داستان شیر و گاو در کلیله و دمنه نصرالله منشی از دیدگاه نشانه معناشناسی گفتمانی»، نشریه علمی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)، خرداد ۱۴۰۱، دوره ۱۵، شماره پیاپی ۷۳، ۱۷۷-۱۶۵.

References

- Ahmadi, Babak (2014), *Text structure and interpretation*, The 17th edition. Tehran: Markaz.
- Habibin, Maryam and Saeed Hesam Pour (2016), Investigating the role of action and sign in the thematic connection of the five Indian chapters of Kalila and Demna Nasrollah Monshi, *Textology of Persian Literature*, Year 8, No 2. 39-60.
- Makaryk, Irena Rima (2020), *Encyclopedia of Contemporary Literary Theory*, Translated by Mehran Mohajer and Mohammad Nabavi, The Sixth edition, Tehran: Agah.
- Mortazavi, Manochehr (2012), *Ferdowsi and Shahnameh*, The fourth edition, Tehran: Tus.
- Narmashiri, Esmaeel (2018), "Analytical reading of the discourse "The Prince and His companions" in Kalila and Demeneh based on semiotics", *Two quarterly journals of Persian language and literature*, Year 26, No85. 211-229.
- Nasrollah Monshi, Abulmaali (1983), *Kalila and Demna*, The seventh edition, Tehran: Amir Kabir.
- Rahmandost, Javad (2017), "Examining the structure of the narrative of Two duck and turtle from the book Kalila and Demna based on Grimas's theory", *The 9th National Persian Language Research Conference*, Birjand. <http://civilica.com/doc/829230>.
- Varmili, Nadia and Forough Kazemi (2022), " Investigating the intellectual and emotional style of the characters in the story "The Lion and the Cow" in Kalila and Demna Nasrollah Monshi from the point of view of discourse semantics", *Scientific Journal of Persian Poetry and Prose Stylogy* (Bahar Adab), Year 15, No 73. 165-177.